

مسئله گاهشماری

9

بهترین روش کیسه‌گیری در

گاهشماری ایرانی

www.ketab.ir

موسی اکرمی

DAN.

چاپ اول

سرشناسه

: اکرمی، موسی، ۱۳۳۲ -

عنوان و نام پدیدآور

: مسئله گاهشماری و بهترین روش کیسه‌گیری در

گاهشماری ایرانی / موسی اکرمی

مشخصات نشر

: تهران: نشر پرسم، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری

: ۲۷۹ ص: جدول: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.

شابک

: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۳۸-۱۶-۰

وضعیت فهرست‌نویسی

: فیبا

یادداشت

: کتابنامه

موضوع

: گاهشماری ایرانی

Chronology, Iranian

گاهشماری

Chronology

رده‌بندی نشره

: CE: ۳۴

رده‌بندی دیویی

: ۸۵۶ / ۵۲۹

شماره کتاب‌شناسی ملی

: ۸۵۶۷۲۸۰

اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی

www.ketab.ir

بارسم

نشر برسم

دفتر: تهران، میدان رسالت، خیابان امام خمینی، قزوینی، پلاک ۶۶، طبقه اول

تلفن: ۷۷۲۰۷۰۹۴ تلفن همراه: ۰۹۱۹۳۳۹۰۳۳۴

barsam_publishing

مسئله گاهشماری و بهترین روش کببسه‌گیری در گاهشماری ایرانی

موسی اکرمی

طراح جلد: هوش پارس

ناشر: نشر برسم

چاپ نخست: پاییز ۱۴۰۰

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۳۸-۱۶-۰

کلیه حقوق و امتیازات کتاب محفوظ است.



۹۷۸ ۶۲۲ ۷۱۳۸ ۱۶ ۰

فهرست

پیشگفتار	۱۱
فرگرد یکم. کلیاتی در گاهشماري	۱۹
۱. تعريف گاهشماري و ارکان آن	۲۱
۲. گونه‌هاي اصلي گاهشماري و ارکان گاهشماري ايراني ..	۲۲
۳. دشواري مهم همه گاهشماري‌ها: طول سال مضرب	۲۳
۴. صحيح بودن طول شبانروز نيست	۲۴
۵. بود يا نبود قاعده کيسه‌گيري در گاهشماري ايراني ..	۲۷
۶. طول سال متوسط خورشيدى به متابۀ مبنای قاعده کيسه‌گيري	۲۸
۷. ساخت گاهشماري مطلوب استانده با يک سري از رايانه	۲۹
۸. پيشنهاد براي همه گاهشماري‌هاي استانده رسمي کشورها و گاهشماري استانده رسمي بين‌المللي	۳۲
فرگرد دوم. محاسبۀ رايانه‌اي بهترين کيسه‌بندي در گاهشماري خورشيدى ايراني	۳۵
چکيده	۳۷
۱. مقدمه	۳۸
۲. کيسه‌گيري در ايران	۴۱
۳. از گاهشماري جلالی تا گاهشماري هجري خورشيدى ..	۴۲

مسئله گاهشماری و بهترین روش کیسه‌گیری در گاهشماری ایرانی

۴. ویژگی‌های گاهشماری مطلوب ۴۴
۵. لزوم توجه به طول متوسط سال خورشیدی و ساعت
[/ لحظه] تحویل متوسط ۴۷
۶. کیسه‌های جلالی پیشنهادشده ۵۰
۷. دوره ۲۸۲۰ سالی ۵۵
۸. مهم‌ترین ویژگی‌های دوره بزرگ ۲۸۲۰ سالی ۵۷
۹. دوره‌های احتمالاً مطلوب دیگر که رقیب دوره ۲۸۲۰
سالی اند ۶۰
۱۰. نتایج محاسبه‌های رایانه‌ای دوره ۲۸۲۰ سالی و مقایسه
آن‌ها با نتایج ذبیح بهروز و احمد بیرشک ۶۳
۱۱. کیسه نتایج رایانه‌ای با نتایج تقویم پژوهان دیگر ۷۱
۱۲. جمع‌بندی شواهد و واپسین سخن ۷۸
- منابع ۸۳

- فرگرد سوم. مسئله گاهشماری ایرانی
(در نقد یکی از تقویم‌پژوهان و دفاع از دستاوردهای خود در
تدوین روشی برای دستیابی به بهترین گاهشماری ممکن) ۵۸
- چکیده ۸۷
۱. مقدمه ۸۸
۲. آثار منتشر شده درباره گاهشماری ایرانی و جایگاه
نوشته‌های نگارنده در میان آن‌ها ۹۳
۳. رفع دو شبهه: نظر من درباره وجود دوره دقیقی برای
کیسه‌های گاهشماری جلالی و دوره‌های کیسه مورد

نظر ماتسکا	۱۰۱
۱- ۳. وجود دوره دقیقی برای کیسه‌های گاهشماری	
جلالی	۱۰۱
۲- ۳. دوره‌های کیسه مورد نظر ماتسکا	۱۰۲
۴. اندر حکایت من و گاهشماری ایرانی و روش بهروز /	
بیرشک	۱۰۳
۵. دستاورد تحقیقاتی قاسملو: خازنی و عبداللهی چونان	
تنها عرضه‌کنندگان شیوه‌ای مبتنی بر اصول ریاضیاتی	
برای محاسبه کیسه‌ها	۱۱۱
۶. مسئله وقت گاهشماری ایرانی	۱۱۵
۷. واپسین سخن	۱۲۰
منابع	۱۲۳
فرگرد چهارم. نقدها را بود آیا که عیاری گیرند؟	
(پاسخ به یکی از منتقدان، دفاع از دوره ۲۸۲۰ سالی رایانده)	
نوین در کیسه‌یابی)	۱۲۷
چکیده	۱۲۹
۱. مقدمه	۱۳۰
۲. اتهامات من از نظر رضا عبداللهی	۱۳۱
۳. علل پاسخ‌دهی به رضا عبداللهی	۱۳۵
۴. موضوع «اشتباه فاحش عبارتی و املائی»، ارجاع‌ها، و	
فهرست مآخذ در نوشته‌های تقویم‌شناختی نگارنده	۱۳۷
۵. اغلاط «تایپی» و «عبارتی» در نوشته نه چندان بلند	

مسئله گاهشماری و بهترین روش کیسه‌گیری در گاهشماری ایرانی

۱۴۰ رضا عبداللهی

۶. در برابر ذبیح بهروز و احمد بیرشک و دوره ۲۸۲۰

۱۴۳ سالی

۷. مقایسه دقت دوره ۲۸۲۰ سالی با دقت دوره ۱۲۸

۱۴۹ سالی

۸. اهمیت دوره ۲۸۲۰ سالی نوین در برابر دوره ۲۸۲۰

۱۵۵ سالی کلاسیک

۹. نقل مثله‌ناشده سخن نگارنده درباره ذبیح بهروز و

۱۵۸ احمد بیرشک

۱۰. نقل مثل‌ناشده سخن رضا عبداللهی درباره روش

۱۶۱ ذبیح بهروز

۱۱. در برابر ذبیح بهروز و احمد بیرشک ۱۶۳

۱۲. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری سخن ۱۶۵

منابع ۱۷۳

فرگرد پنجم. مسئله کیسه‌ها در گاهشماری، و برتری‌ها و

۱۷۵ سودمندی‌های گاهشماری ایرانی

۱۷۷ ۱. چستی گاهشماری

۱۷۹ ۲. نقش سال قمری در گاهشماری

۱۸۰ ۳. چگونگی دستیابی به طول ماه‌های خورشیدی

۱۸۳ ۴. نیاز به طول سال خورشیدی میانگین

۱۸۵ ۵. اعتدال بهاری به عنوان مبدأ آغاز سال

۱۸۷ ۶. طول سال خورشیدی گاهشماری ایرانی طی تاریخ

پیشگفتار

اگر از دلبستگی عام من به گاهشماری ایرانی (در فضای همگانی خواندن و شنیدن درباره میزان دقت و پیوند آن با سال طبیعی از یک سو و علائق و تحصیلات دانشگاهی ام در زمینه اخترشناسی و توجه به تاریخ اخترشناسی و اهمیت گردش افلاک برای انسان‌ها در تمدن‌های گوناگون از سوی دیگر) بگذریم، دلبستگی خاص من به این گاهشماری از سال ۱۳۷۵، در فرصت پدید آمده برای همکاری نزدیک با استاد زنده‌نام و زنده‌یاد احمد بیرشک، شکفتن گرفت.

دیدن شوق شورانگیز استاد بیرشک نسبت به گاهشماری ایرانی، که در کتاب گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله تیلوری نوشتاری آمده، از یک سو، و چالش برانگیزی مستقیم و نامستقیم شماری از تقویم‌پژوهان کشور در برابر نگارش و روش ایشان در استخراج تقویم از سوی دیگر، مرا به این عرصه کشاند تا نخست کنجکاوی خود را درباره چیرستی ماجرا پاسخ دهم، و سپس، اگر می‌توانم، در کشاکش دو جبهه‌ای که آرام آرام خود را نشان می‌دادند دآوری کنم. فرصتی را، شبانروزی، به بررسی جدی ادبیات موجود درباره گاهشماری ایرانی، از روزگاران گذشته تا روزگار کنونی، اختصاص دادم. به زودی آشفتگی با این معرکه دل‌انگیز کوشش فکری و پایمردی پهلوانان این رزمگاه در پاسداشت برافروختگی این مشعل فکری و ملی فراهم آمد.

بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی (بنیاد دانشنامه‌نگاری بعدی و پژوهشگاه)

دانشنامه‌نگاری کنونی)، که استاد بیرشک در مقام بنیادگذار و رئیس آن افتخار تصدی معاونت پژوهشی آن را نصیب من ساخته بودند، گفت‌وگو با چند تن از دبستان‌گان به گاهشماری و تقویم‌پژوهان کشور را خوشامد گفت.

شوق برانگیخته تا بدانجا کشیده شد که

(۱) خود من، بر پایه واپسین دسناوردهای اخترشناختی و با بهره‌گیری از رایانه، دست به استخراج بهترین کیسه‌های یک گاهشماری خورشیدی و استخراج تقویم ایرانی زدم؛ به گونه‌ی شگفتی‌انگیزی نتایج خود را در توافق بسیار زیاد با روش استاد بیرشک، که بر روش زنده‌یاد ذبیح بهروز استوار بود، یافتیم.

(۲) به تهیه‌ی مقدمات برگزاری «سمینار گاهشماری ایرانی» دست زدم تا در آن انواع نگرش‌ها و روش‌ها، در ابعاد تاریخنگاشتی و محاسباتی، مطرح شوند. در مقام دبیر علمی سمینار و همچنین جانشین اجرایی رئیس سمینار کوشیدم تا زیر نظر عالی‌استاد بیرشک برنامه‌ریزی لازم برای برخورداری سمینار از وزن علمی در صورت محقق‌گشتن، خود شخصاً از تک‌تک تقویم‌پژوهان نامدار کشور برای سخنرانی دعوت کردم. در انجام نخستین (و، شوربختانه، تا کنون، واپسین) «سمینار گاهشماری ایرانی» در روزهای ۲۳ و ۲۴ بهمن ماه ۱۳۷۶ در دانشگاه صنعتی امیرکبیر برگزار شد.

در دعوت از همه‌ی کسانی که در هر جای کشور دستی در تقویم‌پژوهی داشتند برای بیان نگرش و حاصل پژوهش خویش هیچ گرایش یا نگرش خاصی در تقویم‌نگاری برتری داده نشد. از ادوارد راینگولد، استاد دانشگاه ایلینوی، که از نویسندگان کتاب «محاسبات تقویمی»، از انتشارات دانشگاه کیمبریج، بود نیز برای شرکت در این همایش دعوت شد. همچنین یک نماینده‌ی دانشگاه کتابشناختی نسبتاً جامع از کتاب‌های نوشته‌شده در زمینه‌ی گاهشماری ایرانی، اعم از چاپی و

نسخه خطی، در کنار سمینار برگزیده شد.

خود من نتایج محاسبات ریاضیاتی را در استخراج نظام کیسه‌ای و گاهشماری
برای در سخنرانی خوبش اعلام کرده که در کل مؤید آشکار روش بهروز
پیرشک بودند.

مشکار بود که این امر شماری از کسانی را خوش نباید که

۱. بایه وجود قاعده در کیسه‌گیری باور نداشتند.

۲. یا در صورت باور به وجود قاعده، قاعده‌هایی متفاوت با قاعده بهروز

پیرشک می‌یستادند.

در سمینار گاهشماری ایرانی پیش از پیش آشکار شد که

نقد در عرصه تقویم‌پژوهی و تقویم‌نگاری و تاریخ‌نگاری تقویم نیز همچون
سده‌ها، به‌ویژه در تاریخ علم، با فقهی و برداشت نادرست وجود دارند.

ب) گونه‌ای تعلق گروهی در مقابل مخالف با اندیشه‌های دیگران
مشاهده می‌شود که دور از ادب و اخلاق علمی است.

من حتی شاهد گونه‌ای پنهان‌کاری و حرکات مخفیانه و بی‌جهت در ایجاد
تغییر در نگرش ریگوالد نسبت به چگونگی دستگاه کیسه‌گیری در گاهشماری
برای بنا بر رویت استاد پیرشک بودم. در حالی که بارها و بارها آشکار اعلام
کرده بودم بیان علنی نظرات مخالف با روایت استاد پیرشک را در صورتی
که مستدل و مستند باشد بر چشم می‌گذارم. برخی علی‌رغم دعوت من به
وفاداری همگانی به حقیقت (هم حقیقت تاریخی) و «هم حقیقت علمی»
ترجیح می‌دادند در پیجیده‌های درگوشی به تخطئه روش و نگرشی پردازند که
نمی‌یستادند، در حالی که حضور خود آنان یا نگرش خاصی که داشتند خود
نحسب اخلاق پژوهشی و سعه صدر حاکم بر سمینار در حقیقت طلبی بود.

من به سرعت دست به قلم برای جابجایی کتاب سمینار، دربردارنده مجموعه

چهارده سخنرانی، زدم. در مقام دبیر علمی سمینار و ویراستار آن مجموعه، همه سخنرانی‌ها را گردآوری و در قالب یک کتاب، با بخش‌بندی‌های درخور، همچون سند ارزنده‌ای از دستاورد پژوهشی و دیدگاه شمار زیادی از پژوهشگران هم‌روزگار ما در گاهشماری ایرانی، آماده چاپ و انتشار در چاپخانه انتشارات علمی و فرهنگی کردم. حتی خود نمونه‌خوانی نهایی را انجام دادم. طرح روی جلد نیز آماده شد.

شوربختانه مشکلات جسمانی استاد احمد بیرشک مانع ادامه ریاست ایشان بر بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی شد. دخالت غیرعلمی و غیراخلاقی رئیس بعدی بنیاد مانع انتشار کتاب شد. طی سال‌های پس از آن با همه کوششی که داشتم نتوانستم نشانی از آن در چاپخانه پیدا کنم. افسوس!

به هر روی، پس از خود چند سال بعد متن سخنرانی خود را در مجله تاریخ علم دانشگاه تهران منتشر کردم. تا آنجا که می‌دانم متن‌های دو سخنرانی دیگر نیز منتشر شدند (هر دو در همان مجله تاریخ علم، سخنرانی ماشاءالله علی‌احیائی پیش از سخنرانی من، و سخنرانی رضا علی‌احیائی همزمان با سخنرانی من).

من در دلبستگی به گاهشماری ایرانی و دستیابی به اشراف نسبی در تاریخ و مبانی اخترشناختی و روش محاسباتی گاهشماری چنان پیش رفته بودم که در متن مفصل ویرایش سوم گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله این افتخار را یافتم که از سوی استاد بیرشک به عنوان مشاور اعلام شدم، هر چند از یک سو خود را در آن حد نمی‌دیدم که به عنوان مشاور ایشان در این ویرایش قلمداد شوم، و از سوی دیگر، به هر روی، در مواردی از اطلاعات مضبوط در کتاب با ایشان موافق نبودم. ولی لطف و خواست استاد بیرشک به من اجازه مخالفت را نمی‌داد. پس از درگذشت استاد بیرشک من همچنان بر این نظر بودم که روش ایشان، در ادامه کوشش و روش زنده یاد ذبیح بهروز، شایسته‌ترین روش موجود در

کشور برای تقویم‌نگاری است. هر چند محاسبات رایانه‌ای خود من مواردی از اختلاف را با روش آن دو بزرگوار نشان داده بود.

فرصتی پیش آمد تا من خلاصه‌ای از دستاوردهای مطالعاتی و محاسباتی خود را در قالب کتابی از مجموعه «از ایران چه می‌دانم»، در «دفتر پژوهش‌های فرهنگی»، منتشر کنم، کتابی که می‌بایست ۱۲۰ صفحه، نه کمتر نه بیشتر، باشد. آن کتاب در مبانی محاسباتی اخترشناسی و ریاضیاتی و همچنین در نتایج خود گوینی تبلور همه سستی است که به روش بهروز و روش بیرشک و محاسبه رایانه‌ای کیسه‌ها در گاهشماری ایرانی انجامیده است. من با آن کتاب کار خود را در زمینه گاهشماری ایرانی پایان یافته تلقی می‌کردم. هر چند همواره دغدغه «لزوم تثبیت قانونی طول سال متوسط خورشیدی و نظام کیسه‌گیری» در گاهشماری و امید به جهان‌شماره‌ها و روش کیسه‌گیری این گاهشماری در همه گاهشماری‌های جهان، دست کم پدید آیی گاهشماری جهانی، را داشته‌ام و هنوز نیز دارم.

دغدغه‌ها و گرفتاری‌های من در حوزه‌های دیگر، به‌ویژه فلسفه علم و فلسفه سیاسی، مانع پرداختن بیشتر به گاهشماری ایرانی و کوشش برای ترویج یافته‌های پژوهشی خودم بود. ولی وجود همان برداشت‌های نادرست که در برخی نوشته‌ها بازتاب داشتند هر از گاهی مرا واهی داشت تا در همان چارچوب کلی‌ئی که بدان دست یافته بودم به روشن‌گری‌های مکرر بپردازم.

فرصتی نیز پیش آمد تا در «کنگره بین‌المللی تاریخ علم و فناوری» (در یکن، ۱۳۸۴ / ۲۰۰۵) جمع‌بندی دستاوردهای پژوهشی خود را با شمارگی از فرهیختگان دانشگاهی کشورهای گوناگون در میان گذارم. همچنین در مراکز، از جمله در مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، دیدگاه خود را با تأکید بر لزوم کامل ساختن مصوبه فروردین ماه ۱۳۰۴ مجلس شورای ملی، بیان کردم.